

بنام نور



صفت و صفورا

رضا هوشمند



سرشناسه: هوشمند، رضا،
عنوان و نام پدیدآور: صفدر و صفور/رضا هوشمند
مشخصات نشر: تهران: مشق شب،
مشخصات ظاهری: ۱۴۰۰: صفحه: مصور
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۸۲-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: نثر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian prose literature -- 20 th century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۶۴

رده بندی دیویی: ۸۸۸/۲۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۶۷۲۸۳



صفدر و صفورا

نویسنده: رضا هوشمند

ناشر: انتشارات مشق شب

شمارگان: ۷۵ نسخه

نوبت چاپ: زمستان ۱۴۰۱

طراح گرافیک: رضادلیرسولا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۸۲-۳

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی مرکز نشر و پخش:

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس، ساختمان آنا تول فرانس، (شماره ۳) واحد ۱۱

تلفن تماس: ۱۷-۶۶۹۶۲۵۱۶ نمایر: ۶۶۴۸۸۸۲۰

www.mashgheshab.com

WhatsApp: ۰۲۱۶۶۹۶۲۵۱۷ / Telegram: ۰۹۱۲۸۹۸۶۵۳۴

Instagram: @Mashgheshabpub

mashgheshab84@yahoo.com

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می باشد.

مقدمه نویسنده

سالها نوشتن به من آموخت چیزهایی هست که حتی به قلم هم نمی‌آید.

پس دست به کار تماشا شدم. دو جان را از کودکی در همسایگی هم پروراندم.

پسر را قد بلندی، نه گردن کشی و دختر را زیبایی کلام و بانو صفتی آموختم.

در من نفس کشیدند، جان یافتند و از روزی که سیب را یکی از بام برای دیگری انداخت، دیگر نه من، که آنها در من سخن گفتند.

صفدر و صفورا حرف‌های ناگفته مردم من است؛

عشق‌های سربه مهر و لال سخن گفتن‌های مکرر.

خواستم با روایت کلمات ساده اما معمایی و معجزه‌گر بگویم؛

برای هم وقت تماشا بگذاریم که زود دیر می‌شود.

صفدر و صفورا با کلام و تماشا به استقبال هم می‌روند و آنچه بر قلم

می‌آید و اجازه انتشارش را داشتم را بی‌کم و کاست آوردم؛ مابقی را خودتان بدانید؛ تا اگر صفدر وجودتان با صفورایی درآمیخت؛ بتوانید شیدایی کنید.

گفت وگوی صفدر و صفورا، ماجرای پدر و مادر توست؛ همان‌ها که نگفتند و نشنیدند و رفتند.

گفت وگوهای فروخورده، نگفته، نشنیده من و تو را، از زبان صفدر و صفورا، روایت کردم تا بخوانی، بشنوی و معجزه احساس پشت کلمات را دریابی.

صفدر و صفورا کتابچه‌ای باید باشد، سرجهازی دختران و میان اثاثیه پسرمان برای دانستن آداب عاشقی.

پیام رسان من برای همه آنهایی باش که؛

قدم می‌زنند،

تماشا می‌کنند،

و لبخند می‌زنند تا عاشق شوند.

بگو صفدر و صفورا مرور گفتن و شنیدن است.

بگو صفدر و صفورا تماشاست؛ همان دلیل خلقت انسان.

روایت صفدر و صفورا، آموختنِ شانه به شانه هم ایستادن است.

شادمانی خواستن برای همسایه، تا سر ریز لبخندش از دیوار و قرنیز، تو را هم شاد کند.